

کودکستان

نگارش آقای فوادى

معلم محترم فارسی در مدارس نظام

مدرسه و خانواده دو محیط مختلف میباشند که در هر دو طفل تربیت میشود و هیچیک از آنها نمیتوانند از لحاظ لزوم و فایده جای دیگری را بگیرد در منزل طفل نشو و نما میکند بدن او تربیت میشود احساساتش تقویت میگردد و رفته رفته قوای ذهنی او بطور بسیار ساده بکار میافتد طفل در این محیط آزاد است و بمقتضای میل و هوس خود حرکت و رفتار مینماید اولیای او تا حدی که ممکن است از امیال او استقبال میکنند اگر چه خور و خواب و نظافت او بطور کلی تحت قواعد و نظامات معینی است لکن این نظم و ترتیب متناسب با آزادی است و بر حسب تقلید و عادت برای طفل برقرار میشود و کمتر بر عقل و اراده او تحمیل میگردد. در مدرسه بطور کلی عقل و اراده طفل و ضمنا احساسات او تربیت میشود بدن او بوسیله ورزش و بازیهای منظم تقویت میگردد در مدرسه طفل آزاد نیست و نمیتواند تنها بر اثر امیال و هوسهای خود رفتار نماید اولیای مدرسه از هرج و مرج و تمایلات انفرادی او جداً جلوگیری میکنند ساعات ورود و خروج و تحصیل و تفریح او در این محیط تحت نظم و ترتیب معینی است و بحکم اجبار باید مطابق آن رفتار نماید. در مدرسه بر عقل و اراده طفل نظم و ترتیب خود را تحمیل مینماید.

اینها مطالبی است بدیهی که برای فهم آن احتیاجی بشاهد و دلیل نداریم پس بین مدرسه و محیط خانواده يك اختلاف فاحش و يك حد فاصل محسوسی موجود است. حال باید فهمید که انتقال طفل از محیط خانواده بلا واسطه بمدرسه امری است طبیعی یا آنکه اثر منفی در روحیه اومی بخشد؟ اگر اندکی تأمل کنیم می بینیم که این امر غیر طبیعی بلکه خطرناک است در عالم طبیعت انتقال از يك محیط

مخالف بلا واسطه بمحیط دیگر بضرر موجودات تمام میشود مثلاً انتقال فیل از منطقه حاره باراضی قطبی یا انتقال خرس سفید و گوزن شمالی بافریقا و هندوستان امری بسیار مشکل بلکه برای بقای آنها خطرناک است زیرا در این نورت غالباً تلف میشوند لکن اگر حیوانی از منطقه معتدله بشمال یا جنوب بیاید غالباً زندگی او در محیط نازده ممکن و بمرور بعد از چند نسل برای زندگی در آن محیط دارای صلاحیت میگردد طبیعت يك موجود را از يك محیط بمحیط دیگر انتقال میدهد لکن با اصول تدریجی و ارتباط مراحل یعنی اگر بخواهد موجود قطبی را در اراضی معتدله مسکن دهد اول او را بمنطقه معتدله سپس باراضی معتدله انتقال میدهد این ناموس طبیعت و قانون فطرت است وارد شدن از هوای سرد بفضای گرم برای انسان خطرناک و بسیار میشود که موجب هلاک گردد همچنین انتقال طفل از محیط آزاد خانواده بمحیط اجبار مدرسه برای روحیه او جنبه منفی را داراست

طفل در محیط خانواده احتیاج بدقت اجباری ندارد اگر با بازیچه بازی میکند همینکه نخواست آن را میاندازد و بکار دیگر میبرد از دقت بفاصله چند دقیقه هم همشاد میشود هم مجزون میگردد گریه میکند و خنده مینماید در حالیکه گریه میکند اگر دقت او را چیزی جلب نمود گریه را فراموش کرده متوجه آن میشود بعد دو مرتبه یادش میآید و گریه اولی را تعقیب مینماید اگر طفل بازی مشغول است این کار را بحکم اجبار انجام نمیدهد بلکه خود او مجلوب است وسائق او شوق و میل او است نه اراده و دقت اجباری حال این طفل بلا واسطه از خانواده وارد مدرسه شده چهارزنگ (۵۰ دقیقه) در کلاس مجبور میشود بنشیند بدیهی است که مدت معین در کلاس برای او اسباب زحمت است و زود خسته میشود در ابتدای هر ساعتی از درس از پنج الی ده دقیقه بمقتضای حس کنجکاوی و تازگی محیط دقت میکنند و متوجه درس میشود لکن باقی زنگ را بکارهای دیگر بر حسب تمایلات خود مشغول میشود یا با رفقاً حرف میزند یا با قلم و کاغذ بازی میکند یا چیز میخورد و اگر معلم را متوجه خود به بیند ظاهراً آرام می نشیند لکن چشمش بجای دیگر است یا بتماشای معلم و حرکات و لباس او مشغول میشود یا وارد عالم متخیله شده ظاهراً بمعلم نگاه میکند

اما فقط حرکت لبان معلم را می بیند و بس باری مدرسه چهار یا پنج ساعت از طفل کار میخواهد لکن در عمل روی هرفته روزی نیم ساعت یا چهل دقیقه بیشتر از دقت طفل استفاده نمیکنند .

این خود یکی از عللی است که بجای يك کلاس در مدرسه دو کلاس (کلاس تهیه و کلاس اول) دائر است و کاری را که طفل سهولت میتواند در يك سال انجام دهد در دو سال تمام میکند آنهم غالباً نه بنحو مطلوب پس باید بین خانواده و مدرسه برای طفل يك محیط متوسط تولید کرد که آنرا کود کستان گفته اند کود کستان واسطه بین خانواده و مدرسه بوده و بمنزله پلی است که بر روی پرتگاه یا حائل این دو محیط قرار گرفته است کود کستان محیطی است که آزادی خانواده و انتظام مدرسه را جمع میکند .

اینجا سؤالی پیش میآید که آیا پدر و مادر میتوانند وظیفه را که کود کستان نسبت بتربیت طفل عهده دار است بنحو مطلوب انجام دهند بعبارة اخیری آیا پدر و مادر میتوانند طفل را برای ورود به مدرسه آماده سازند ؟

تجربه و عمل در این باره جواب منفی میدهد (بدیهی است که استثنا در این مورد شرط حل مسئله نمیشود) :

۱ - مدرسه محیط اجتماعی است و از امیال و هوسهای انفرادی طفل جلوگیری میکند طفلی که وارد مدرسه میشود باید برای این حیات اجتماعی آماده باشد پدر و مادر (مخصوصاً اگر بی سواد باشند) از تمایلات انفرادی طفل استقبال میکنند و در نتیجه طفل آنها خود خواه - خود بین و ناز پرورده بار میآید و گمان میکند که همه باید مطابق میل و سلیقه او رفتار کنند همه مطیع و منقاد او باشند بدیهی است که نه تنها سال اول مدرسه بلکه سالهای بعد هم این طفل همواره دچار مضیقه خواهد بود چنین طفلی گمان میکند که در مدرسه اولیا و معلمین و شاگردان بر خلاف عدالت نسبت با او رفتار مینمایند در محاوره خشن و باصطلاح جواب سر بالا میدهد از قوانین و نظامات مدرسه تمرد میکند در نتیجه داشتن این حس خودخواهی و انفرادی طفل بیچاره در مدرسه بنام « حرف نشنو - فضول - متکبر - خودپسند بد اخلاق؟! و غیره » معرفی شده و اگر « اصلاح پذیر » نباشد او را از مدرسه

اخراج و بدبخت میکنند! (بدیهی است که مدرسه تقصیر ندارد و برای حفظ نظم و اخلاق اطفال دیگر مجبور باینکار است) کودکستان در مقابل این حس طرق و وسائل مقتضی دارد و طفل را باطاعت از قانون و رعایت نظم و ترتیب بمرور عادت میدهد.

۲ - بفرض آنکه پدر و مادر باسواد و باتریت باشند علاقه مفرط و محبت شدید آنها مانع میشود که معایب و نواقص او را دیده و جلوگیری کنند آنجا که احساس و عاطفه شدید شد عقل و اراده کمتر حکم فرمائی میکند پدر و مادر از روی عاطفه و رحم قضاوت میکنند لکن مدرسه اول شرط عقل را در نظر میگیرد بعد رحم و عاطفه را کودکستان نیز که مقدمهٔ مدرسه است در طرف شدن با طفل با میزان عقل رفتار میکند و در عین حال مهربانی و محبت پدر و مادر را ماحوظ میدارد در قسمت کودکستان بشر همین فکر فروبل است (شرح حال این شخص دانشمند در کتب پداگوژی و قاعوس ها درج شده است) هر مقامی را کلمب در کشف امریکا و گو تانبرگ در اختراع چاپ دارند همان را فروبل در تاسیس کودکستان حائز است زیرا فکر تربیت منظم طفل قبل از ورود بمدرسه از او است فروبل بازی را تحت نظم و ترتیبی میآورد که علاوه بر جنبهٔ تفریحی علت پرورش فکر او هم میشود فروبل که از عهد کودکی یتیم بود بهتر از دیگران لزوم این مطلب را فهمیده است (چنانکه سعدی علیه الرحمه فرماید: «را باشد از درد طفلان خبر. که در خردی از سر بر رفتیم پدر») گرچه فکر فروبل تحت تاثیر اصول رمانتیسیم و در قسمت بازی و بازیچه جنبهٔ تربیت و عمل را زیاد از حد طبیعی دخالت میدهد لیکن اصل فکر او قابل همه گونه تقدیس و تمجید است موضوع کودکستان از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم بعد کسب اهمیت پیدا کرده است و از آن بعد افکار علما در تشدید مبانی و تعدیل پروگرام آن صرف شده و میشود.

خلاصه آنکه کودکستان مقدمه مدرسه است پروگرام و عملیات آن برای

تربیت طفلی تنظیم میشود که باید بمدرسه وارد شود مثلاً:

۱ - تربیت و تقویت حس اجتماعی و کاستن از تمایلات و هوسهای

انفرادی طفل.

۲ - معنادار ساختن طفل بنظم و ترتیب عموماً

۳- تربیت دقت اجباری اطفال که بتوانند نفس ناطقه را در یک موضوع تمرکز دهند

۴- استفاده از بازی و بازیچه برای تربیت قوای ذهنی

۵- بکار انداختن حس زیبایی اطفال (ساختن اشیاء مختلفه از کاغذ و مقوا و گل و خمیر و امثال آنها - نقاشی و غیره)

۶- آموختن مقدمات خواندن و نوشتن (تعلیم الفبا بطرق مختلفه)

۷- تقویت حافظه (حفظ کردن اشعار و غیره)

۸- تربیت عواطف (رفتار خود مربی - گفتن امثال و حکایات مناسب)

۹- ورزش یا تربیت بدنی (گردش - بازی و غیره)

۱۰- عادت بکار کردن

۱۱- تولید حس مسئولیت در انجام وظیفه - رعایت نظم و ترتیب و غیره

(گرچه این مواد متداخلند لکن برای اهمیت موضوع بتفصیل ذکر شد)

هر چند از موضوع ما خارج است لکن باید این مطالب را هم متذکر شویم که

مربی کودک کتمان باید علاقه و عشق مخصوص بکار خود داشته باشد اولین شرط کار

در کودکستان محبت و صمیمیت و حوصله است باقی خصائل و اخلاق حمیده مربی

روی این محور باید چرخ زند در قسمت معلومات بعد از داشتن سواد باید مربی

دارای معلومات مختصر از علوم طبیعی و عام تربیت (که روان شناسی هم ضمن آن

است) نیز باشد معلمی کار مشکل و کم زودی است و طبقه معلم سلامتی جسم و روح

خود را بالای کار خود میگذارند لکن کار مربی از کار معلم مشکل تر و طاقت فرساتر

و کم مزد تر است پس مربی ناچار است که حس فداکاری هم داشته باشد .

انجمن معارفی

از قسمت رسمی

تقدیر

آقای میرزا سید محمدخان میر فخرائی (مهندس همایون)

طبق راپرت واصله از اداره تفتیش چون در دو سال اخیر که ریاست دبیرستان

تجارت بعهدۀ شما محول بوده محصلین کلاس نهائی آن دبیرستان بخوبی از عهده امتحانات

برآمده اند عابیهذا نظر بجدیقتی که در پیشرفت وظایف محوله ابراز نموده اید وزارت

معارف زحمات و حسن خدمت شما را تقدیر مینماید. دکتر ولی الله - مهر وزارت